

مجموعه‌ی «فقه مدرسه»

پرسش‌های فقهی تعلیم و تربیت

مدیران مدارس و فعالان تربیتی



شناسنامه

نام: پرسش‌های فقهی تعلیم و تربیت: مدیران مدارس و فعالان تربیتی
گردآورنده: محمدرضا اشرف کاشانی، محمد روحانی







۷	سخن ناشر.....
۱۱	مقدمه.....
۲۱	تأسیس و اداره‌ی مدرسه و محیط تعلیم و تربیت.....
۴۷	مسائل مالی مدارس.....
۸۹	محتوای آموزشی.....
۱۱۳	روش‌ها و فرایندهای تعلیم و تربیت.....
۱۵۷	پی‌نوشت.....
۱۶۹	پیوست: توضیح اصطلاح‌های فقهی.....
۱۷۵	فهرست منابع.....



دین مجموعه‌ای از دستورالعمل‌ها برای زندگی فردی و اجتماعی است. ماهیت فرازمانی دین اقتضا می‌کند تا در موقعیت‌های گوناگون زندگی، راه‌حلهایی در اختیار متدینان قرار دهد تا پیوند دین و زندگی آن‌ها همواره حفظ شود.

از آن مجموعه «علم فقه» به شکل عملی و کاربردی، تکلیف متشرعان را در مواجهه با موقعیت‌های مختلف مشخص می‌کند؛ شرایطی که به دلیل وقوع حوادث خرد و کلان یا با پیدایش نهادهای جدید سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در جامعه‌ی مسلمانان اتفاق می‌افتد. تشکیل احزاب، تأسیس بیمه و بانک و راه‌اندازی مدارس جدید از مصادیق پیدایش نهادهای جدید در جامعه‌ی مسلمانان است. فقهای پارسا و پاسداران دین در پاسخ به استفتائات، به تبیین پذیرش این نهادها و چگونگی به‌کارگیری آن در میان مسلمانان اهتمام داشته‌اند؛ به گونه‌ای که تداوم و بقای آن و انتخاب و گزینش از بین وجوه مختلف کارکردی آن، با جامعه‌ی مسلمانان تناسب داشته باشد.

به اقتضای چگونگی شکل‌گیری نهاد آموزش و پرورش جدید و اهداف و آثار آن در جامعه‌ی مسلمانان، سیر تکوین استفتانات ناظر به شناخت این جریان است که:

- (الف) آیا ضرورتی دارد مسلمانان از این نهاد نوظهور استفاده کنند؟
- (ب) در صورت وجود ضرورت، چه ملاحظات در استفاده از آن باید مورد توجه قرار گیرد؟
- (ج) با نگاه‌گزینی و با تطبیق کارکردهای مختلف نظام آموزشی با فقه، چه ملاحظات در محتوای آموزشی، شرایط آموزش‌دهندگان و روش‌های معمول در مدارس باید در نظر گرفته شود؟
- این مسیر پرسش و پاسخ از فقها تا حدود زیادی مواجهه‌ی متدینان را با پیدایش یک نهاد نوظهور اجتماعی در جامعه نشان می‌دهد.
- استفتانات جمع‌آوری‌شده، بیش از آن که در مقام ارائه‌ی یک «نظام» مطلوب آموزشی از دیدگاه فقه باشد، نقاط پراکنده‌ای را نشان می‌دهد که کنار هم قرارگرفتن آن‌ها، دغدغه‌های مؤمنان را در پیدایش نهاد جدید آموزش و پرورش نوین در جامعه به تصویر می‌کشد.
- انتشار این مجموعه به این دلیل مفید است که در پیوند دین با آموزش و پرورش در دنیای جدید، به پرسشگری‌های نهاد آموزش از فقها و مرزداران دین، نظام می‌بخشد؛ راه‌های نرفته و موضوعات مهم فروگذاشته شده را نشان می‌دهد و در بستر یک جامعه‌ی متعهد به رعایت موازین فقهی، ملاحظات مختلفی را که به رشد نهاد آموزش کمک می‌کند، در کنار هم قرار می‌دهد.
- در پایان، از مؤسسه‌ی مطالعات تعالی نسل (متن) که هدایت و راهبری تدوین این مجموعه را بر عهده داشته و از حجج اسلام محمد رضا اشرف کاشانی و سید محمد مهدی طاهایی برای آماده‌سازی نسخه‌ی اولیه، آقای محمد

روحانی برای تنظیم، ویراستاری نهایی و آماده‌سازی نسخه‌ی پایانی، آقای
 سید محمد احمدی برای بازبینی ترجمه‌ها، آقای محمد نوبختی برای کنترل
 منابع و تنظیم کتاب‌نامه و سایر عزیزانی که با صبوری و حوصله در فراهم آوردن
 این مجموعه به نحوی همکاری داشتند، قدردانی می‌کنیم.

پاییز ۱۳۹۷





زندگی

یکی از مهم‌ترین واجبات دین مبین اسلام، فراگیری احکام آن است. فهم درست احکام و عمل به آن، تضمین‌کننده‌ی سعادت انسان است. کسی که اسلام را برمی‌گزیند، باید برنامه‌های آن را در همه‌ی قلمروهای زندگی به‌طور کامل بپذیرد و رفتار و عملکرد خویش را مطابق با احکام دین تنظیم کند. برای این کار لازم است انسان مسلمان آن مقدار از احکام دین را که با آن مواجه است، بشناسد تا بتواند آن را در زندگی اجرا کند. قرآن کریم و روایات ائمه‌ی هدی علیهم‌السلام با تأکید بسیار بر این موضوع، همگان را به یادگرفتن احکام دین تشویق و ترغیب کرده‌اند و از ضررهای فراوان آشنا نبودن با احکام الهی برحذر داشته‌اند. مردی به امام صادق علیه‌السلام عرض کرد:

فرزندی دارم که دوست دارد مسائل حلال و حرام را از شما بی‌پرسد و از مطالبی که به او مربوط نیست، پرسش نمی‌کند.

حضرت صادق علیه‌السلام فرمودند:

آیا بهتر از حلال و حرام سؤالی هست که مردم بپرسند؟!^۱

علم فقه از مقدّس‌ترین علوم ارزنده‌ی اسلامی، عهده‌دار بیان روش صحیح بندگی خداوند متعال و کیفیت صحیح آن است. این علم در عصر پیامبر اکرم ﷺ و امامان علیهم‌السلام، پژوهندگان زیاد و رونقی چشم‌گیر داشته و مورد توجّه پیروان دین بوده است؛ به‌ویژه در زمان امام باقر و امام صادق علیهم‌السلام که دانشمندان بسیاری در مسائل مختلف دینی و فروع احکام در محضر آن دو پیشوای بزرگ شیعه پرورش یافتند.

در زمان حضور ائمه علیهم‌السلام، خود امامان علیهم‌السلام عهده‌دار بیان احکام الهی بودند. هم‌چنین این موضوع را به عهده‌ی اصحاب و شاگردان خاصّ خویش نیز می‌گذاشتند. ائمه علیهم‌السلام مردم را به مراجعه به اشخاص فاضلی مانند زرارّه، محمّد بن مسلم، ابوبصیر و آبان بن تغلب توصیه می‌کردند و آنان نیز مسائل حلال و حرام و احکام دین را در اختیار مراجعان می‌گذاشتند.

با فرا رسیدن دوران غیبت امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه الشریف، استمرار بیان حلال و حرام و روشن‌گری برنامه‌های زندگی در جامعه، به فقهای جامع‌الشّرایط واگذار گردید و موضوع فتوا و تقلید به‌طور گسترده‌ای رواج یافت.

احکام عملی دین بسیار گسترده است؛ زیرا همه‌ی اعمال انسان‌ها را اعمّ از عبادی، اقتصادی، فردی، خانوادگی، اجتماعی، قضایی، جزایی و... در بر می‌گیرد. درباره‌ی این دسته از احکام الهی، توجّه به دو نکته لازم است:

۱. شاخه‌های علم متعدّد است. ممکن است فردی در یک رشته مهارت فوق‌العاده‌ای داشته و از رشته‌ی دیگر بی‌اطلاع باشد. در نتیجه، انسان به حکم عقل باید در رشته‌ای که تخصّص ندارد، به کارشناس همان

۱. المحاسن ۱: ۲۲۹، ح ۱۶۸. [پاورقی متن اصلی]

رشته مراجعه و از گفته‌ی او پیروی کند؛ مثلاً متخصص رایانه، هنگام
 مریضی باید به پزشک مراجعه کند؛ زیرا با بیماری‌ها و روش معالجه‌ی
 آن‌ها آشنا نیست. از این رو، پیروی از گفته‌ی پزشک را بر خود لازم
 می‌داند. به طور کلی، برای انجام دادن هر کاری که راه و روش آن را
 نمی‌دانیم، به خبره‌ی همان کار مراجعه می‌کنیم و راه و چاره‌ی آن را از
 متخصص همان حرفه می‌پرسیم. آشنایی با احکام شرعی و شناخت
 حلال و حرام الهی نیز به همین شیوه است. از این رو، باید به فقیه که
 متخصص و کارشناس احکام دین است، مراجعه کرد.

۲. فهمیدن و به دست آوردن مطالب و معارفی که در قرآن مجید و روایات
 اهل بیت علیهم‌السلام آمده، آسان نیست و به تخصص و مهارت احتیاج دارد. تا
 کسی در ادبیات عرب و علوم مختلف اسلامی از قبیل تفسیر قرآن، درایه
 (حدیث‌شناسی)، رجال (شناخت راویان احادیث)، اصول فقه و...
 تخصص و مهارت نداشته باشد (اصطلاحاً مجتهد و فقیه نباشد)، هرگز
 نمی‌تواند احکام خداوند متعال را از منابع دین استخراج کند. رساله‌ی
 توضیح المسائل، محصول عمر یک فقیه است که با تکیه بر تخصص
 خود و با زحمت‌های طاقت‌فرسا، آن را از منابع دینی استنباط کرده و در
 دست‌رس مردم گذاشته است.

با توجه به آنچه بیان شد، برای یافتن شیوه‌های زندگی منطبق بر
 آموزه‌های دینی، مراجعه به فقها و عالمانی که راه اجتهاد و فقاها را با آن
 وسعت و گسترده‌ی پیموده‌اند، لازم است. از این رو، مسئله‌ی تقلید از مجتهد،
 به حکم عقل و منطق ثابت می‌گردد. هم‌چنین معلوم می‌شود که تقلید به

معنای پیروی کورکورانه^۱ نیست؛ بلکه به معنای مراجعه‌ی غیرمخصص در مسائل دینی، به متخصص است. می‌توان این حدیث از امام عسکری علیه السلام را مؤید این مطلب دانست:

فَأَمَّا مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ صَائِنًا لِنَفْسِهِ، حَافِظًا لِدِينِهِ، مُخَالَفًا عَلَى هَوَاهُ، مُطِيعًا لِأَمْرِ مَوْلَاهُ، فَلِلْعَوَامِ أَنْ يُقْلَدُوا.^۲

و اما هر کس از فقها که صیانت نفس^۳ داشته باشد، حافظ و نگهبان دین الهی خویش باشد، با هوای نفس خود مخالفت کند و مطیع فرمان مولای خویش باشد، بر مسلمانان است که از او تقلید کنند.

اکنون با توجه به آن چه ذکر گردید، روشن می‌شود که اظهار نظر در مسائل دینی و احکام شرعی بر کسانی که به رتبه‌ی اجتهاد نرسیده‌اند و با ادله‌ی احکام آشنایی ندارند، جایز نیست و بر مؤمنان واجب است در تمام احکام دینی و مسائل شرعی به مراجع بزرگوار تقلید و اسلام‌شناسان مورد اعتماد، مراجعه کنند.^۴

فروشگاه تخصصی کتب دینی

یکی از زمینه‌های رشد و توسعه‌ی دانش فقه، نیازها، پرسش‌ها و مراجعات مردم بوده است. آن بخش از فقه که پرسش‌های مردم در آن بیش‌تر بوده، بیش‌تر توسعه یافته است. گاهی برخی زمینه‌ها به دلیل اهمّیت بیش‌تر، جداگانه نیز مورد توجه قرار گرفته و تدوین شده است.

۱. اسلام با تمام قوا با پیروی کورکورانه مبارزه کرده است و قرآن مجید نیز آن را یکی از ناپسندترین صفات انسانی معرّفی می‌کند.

۲. وسائل الشّیعه ۱۳۱: ۲۷، ح ۳۳۴۰۱. [پاورقی متن اصلی]

۳. مالک نفس خود و نگهبان آن باشد تا بتواند خویشتن را در مقابل هر گونه انحراف و کج‌روی از راه مستقیم و مسیر بندگی خداوند متعال، مصون و ایمن نگاه بدارد.

۴. برگرفته از: حسینی سیستانی، توضیح المسائل جامع ۳۱: ۳۸-۳۹.

شیوه‌ی تخصصی مشاغل امروز اقتضا می‌کند که هر صنف، از مسائل شغل خود آگاهی پیدا کند. بنابراین، نیاز به تدوین رساله‌های موضوعی بیش‌تر احساس می‌شود. در وضعیت کنونی، در موضوعات مختلفی مانند مسائل بانوان، خانواده، بانک، درمان، ورزش و... می‌توان به مجموعه‌هایی فقهی دسترسی پیدا کرد. به نظر می‌رسد «مدرسه» یکی از مهم‌ترین موضوعاتی است که جا دارد بیش‌تر مورد توجه فقهی قرار گیرد.

مدرسه بستر تربیت نسل آینده است و شایسته است تأثیرگذاران و تأثیرپذیران این بخش (معلمان، مدیران، دانش‌آموزان و والدین) با مسائل خود در بستر تحصیل و مدرسه آشنا شوند. برای این مهم، راهی طولانی در پیش است تا به صورت فنی و گسترده بتوان مسائل این حوزه‌ی حساس را کاوید و احکام مربوط را به دست آورد. این کار مستلزم مطالعات میان‌رشته‌ای «فقه» و «تعلیم و تربیت» است که در جای خود بررسی شده است.

در نوشته‌ی پیش رو، تلاش شده از میان منابع مکتوب، فتاوا و استفتاهای مورد ابتلا در موضوع مدرسه و محیط آموزشی جمع‌آوری شود تا دسترسی به احکام مدارس برای مخاطبان آن، آسان شود. این استفتائات و فتاوا در سه جلد ارائه شده است:

- مدیران مدارس و فعالان تربیتی؛
- معلمان و مربیان؛
- والدین و دانش‌آموزان.

البته بعضی مطالب به دلیل اشتراک موضوعی، در بیش از یک جلد مطرح شده است.

روشن است آنچه در این مجموعه گردآوری شده، بخش کوچکی از نیازهای این حوزه را پوشش می‌دهد؛ اما شاید راه‌گشای دل‌سوزان تعلیم و

تربیت فرزندان این مرز و بوم قرار گیرد. امید است این نوشته، اهل فضل را به تکاپوهای تکمیلی تشویق کند و مقدّمه‌ای بر توسعه‌ی پژوهش‌ها در این زمینه شود.

برای استفاده‌ی هر چه بهتر از مجموعه‌ی حاضر، تذکّر چند نکته را لازم می‌دانیم:

۱. یک تفاوت مهم میان رساله‌های استفتائات و رساله‌های عملیه این است که هنگام نوشتن رساله‌ی عملیه، تنظیم و تبویب مسائل در دست خود فقیه است و او مسائل را در عناوین کلی فقهی ذکر می‌کند؛ ولی آن‌چه به صورت مجموعه‌ی استفتائات جمع‌آوری شده، بیش‌تر ناظر به جزئیات و مصادیق عملی و موضوعات خارجی است. بسیاری از آن‌چه در این مجموعه جمع‌آوری شده، سؤالات ناظر بر نیازها و مشکلات جاری مدارس از نگاه پرسش‌کننده است. پراکندگی این نیازها و مشکلات و اختلاف سلیق و دیدگاه‌ها باعث شده تا برخی سؤالات با چند عنوان فقهی تناسب داشته باشند. در این مجموعه، تلاش شده فتاوا و استفتائات در ساختاری متناسب با فضای مدرسه‌داری طبقه‌بندی شوند. ضمن آن‌که آوردن متن سؤال به منزله‌ی تأیید دیدگاه پرسش‌کننده نیست.

۲. کتاب حاضر شامل استفتائات اشخاص مختلف از طبقات گوناگون از مراجع عظام است. گاهی پرسش‌کننده، شخصی عالم و فاضل بوده و گاه فردی عادی و دور از علم فقه. از این رو، سطح علمی سؤال‌ها یکسان نیست. در نتیجه، جواب‌ها نیز در یک سطح قرار ندارند.

۳. گردآورندگان این مجموعه بر این باورند که پرسش مسائل از محضر مراجع، امری است محتاج توانمندی فنی، آگاهی به اصطلاحات و

عبارات فقهی و شناخت دقیق از موضوع و شرایط محیطی. تجربه نشان می‌دهد در مواردی پرسش‌های مطرح شده، توسط عزیزانی بوده که از این دانش و مهارت برخوردار نبوده‌اند و از آن‌جا که پاسخ‌ها متناسب با متن ارائه شده است، همه‌ی ابعاد موضوع در استفتا و پاسخ منعکس نشده است. بر این اساس، توصیه می‌شود که مخاطبان در مسائل مورد نیاز تا حدّ ممکن به نمونه‌های ارائه شده در این مجموعه اکتفا نکنند و پرسش‌های دقیق‌تری را از دفاتر مراجع عظام بپرسند.

۴. در مجموعه‌ی حاضر تلاش شده تا اختلاف فتاوا با استناد به منابع موجود تبیین شود؛ اما از آن‌جا که نظر همه‌ی مراجع در یک موضوع با مراجعه به استفتائات موجود از آن‌ها روشن نمی‌شود، رعایت قواعد و احکام تقلید را در عمل به این مسائل به خوانندگان یادآوری می‌کنیم؛ از جمله:

الف) گاهی برخی فتاوا همراه با تشخیص مصداق است؛ یعنی دو شأن «بیان حکم» و «تشخیص» با هم در یک پاسخ وجود دارد.

ب) درک دقیق برخی فتاوا نیازمند مراجعه به ابواب فقهی مرتبط با آن و مطالعه‌ی بیش‌تر است.

۵. برخی سؤال‌ها و مسائل با یک‌دیگر مشابه‌اند؛ اما نوعاً در هر سؤال، نکته‌ی جدیدی وجود دارد. علاوه بر این، بسیاری از سؤال‌ها، پرسش از نمونه‌ها و مصادیق خارجی متمایز است و نباید توهم اختلاف در حکم پیش‌آید که این امر به دقت بیش‌تری نیاز دارد.

۶. برخی مسائل یا استفتاها ناظر به فضای دانشگاه، اداره‌ها یا حوزه‌های علمیّه است؛ اما به دلیل تناسب محتوایی با احکام مدارس، در این مجموعه گردآوری شده‌اند.

۷. استفتائات این مجموعه، منحصر به یک کشور نیست؛ بلکه حاصل نامه‌هایی است که از کشورهای مختلف به مراجع رسیده است. بنابراین، ممکن است برخی پرسش‌ها با محیط و وضعیت فرهنگی ایران سازگار نباشد.

۸. برخی از سؤالات این مجموعه مربوط به دهه‌های گذشته یا دربرگیرنده‌ی پیش‌فرض‌هایی است که صحت آن‌ها برای صاحب‌نظران تعلیم و تربیت قطعی نیست. با توجه به تحولات دانش علوم تربیتی و تغییرات فرهنگ مدرسه‌داری، ممکن است عمل بر اساس آن استفتائات در شرایط فعلی امکان‌پذیر یا قابل توجیه نباشد.

در پایان، برخی قواعد و ملاحظات را که در تنظیم این مجموعه مورد دقت قرار گرفته است، یادآور می‌شویم:

۱. بنای این مجموعه به گردآوری مسائل مربوط به مدرسه از متون فقهی موجود بوده است؛ اما در موارد معدودی برای تکمیل مباحث، مسائلی از دفاتر مراجع عظام استفتا شده است. این استفتائات، کتبی و از طریق نامه یا سایت مراجع انجام شده است. بر خود لازم می‌دانیم که از همکاری و زحمات دفاتر مراجع عظام قدردانی کنیم.

۲. در مواردی که فهم بهتر مسائل نیازمند توضیح بوده، توضیح‌های کوتاه داخل [] به متن اضافه شده و توضیح‌های طولانی، در پاورقی ذکر شده است. همه‌ی این موارد به قلم گردآورنده‌ی این مجموعه است. لازم به تذکر است در مواردی که پاورقی نیز از منبع نقل شده باشد، با عبارت «[پاورقی متن اصلی]» مشخص شده است. هم‌چنین در پایان کتاب، اصطلاحات فقهی به کاررفته در کتاب در قالب پیوست توضیح داده شده است.

۳. مسائل و استفتائاتی در منابع اصلی و اوّلی به زبان عربی بوده که برای حفظ پیوستگی و راحتی خواننده، به زبان فارسی ترجمه شده است. متن اصلی این موارد در پیوست کتاب و شماره‌ی پیوست، در متن اصلی در پرانتز بالا نویس شده است.

۴. در مواردی که منبع یک فتوا رساله‌ی محشّی بوده، در صورتی که متن نقل شده در کتاب حاضر نظر حاشیه‌نویس رساله بوده، در پاورقی نام مرجع مورد نظر ذکر شده است؛ برای مثال: «بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع (محشّی) ۲: ۸۷۳». (نظر آیت الله صافی گلپایگانی) یعنی نظر آیت الله صافی گلپایگانی در متن ذکر شده است.

۵. در مسائلی که متون متعدّد فتوایی به آن پرداخته‌اند اما اختلاف چشم‌گیری در میان آن‌ها وجود ندارد، تلاش شده روان‌ترین عبارت انتخاب شود.

۶. در چینش مسائل و استفتائات ذیل هر عنوان، بنا بر آن بوده که ابتدا مسائل کلی و حاوی ضابطه ذکر گردد، سپس سؤالات و مسائل جزئی و موردی بیان شود.

۷. در متن این کتاب، علامت  به معنای مسئله‌ی شرعی،  به معنای استفتا از مرجع تقلید و  به معنای پاسخ استفتا است. در پایان، از توجّه اهل دقّت و فضل تشکّر می‌کنیم و امید داریم با انتقادات و تذکّرات مشفقانه‌ی خود ما را در تکمیل این مجموعه یاری رسانند.

مؤسسه مطالعات تعالی نسل (متن)

پاییز ۱۳۹۷



فصل اول

تأسیس و اداره‌ی مدرسه و محیط تعلیم و تربیت

۱. رعایت ضوابط دینی ۲۳
۲. آسیب شناسی تربیت دینی ۲۳
۳. علل ضرورت یا رجحان شرعی تأسیس مدرسه‌ی اسلامی ۲۵
۴. تأسیس و اداره‌ی مدارس مختلف ۳۶
۵. تأسیس و اداره‌ی مدارس دخترانه ۳۸
۶. موانع تأسیس مدرسه ۴۱
۷. تحصیل دیگران در مدراس شیعی ۴۲
۸. ضوابط جذب مربی ۴۲

امروزه مؤمنان و دل‌سوزان تربیت نسل به این مهم واقف‌اند که تأمین محیط سالم تعلیم و تربیت، نیاز جدی جامعه است. در کلمات و فتاوای مراجع عظام نیز تأکید فراوانی بر ضرورت تطبیق جامعه با معیارهای دینی وجود دارد و آسیب‌هایی که نسل جوان را تهدید می‌کند، مکرر مورد توجه این بزرگان قرار گرفته است.

در این فصل، ضمن نقل برخی تأکيدات مراجع بر نکات یادشده، فتاوا و استفتاهایی ذکر شده که دربرگیرنده‌ی لزوم یا ترجیح تأسیس و اداره‌ی مدارس با رعایت جدی معیارهای اسلامی و موازین شرعی است. ضرورت تربیت متخصصان متدین برای بی‌نیازی از بیگانگان و وظیفه‌ی عالمان دینی در آموزش احکام و عقاید صحیح به مردم از عواملی است که به تأسیس مدارس اسلامی رجحان می‌بخشد.

هم‌چنین یکی از مسائل حسّاس در جامعه‌ی مسلمانان، تربیت صحیح دختران است. این مطلب به‌طور مستقل مورد توجه فقها قرار گرفته و بر تأسیس و اداره‌ی مدارس دخترانه با رعایت دقت‌های شرعی تأکید کرده‌اند.

۱. رعایت ضوابط دینی

📖 بر مسلمانان لازم است که حقوق و روابط اجتماعی خود را طبق احکام اسلام، مرتّب و منظم کنند و از بدع [= بدعت‌ها] و سنت‌های بیگانان، جدّاً پرهیز نمایند.^۱

📖 هر مسلمانی باید سعی کند روش و رفتار و اخلاق او، طبق تعلیم اخلاقی و فقهی اسلام باشد تا هم خودش سعادتمند گردد و هم بر آبروی جامعه‌ی اسلامی بیافزاید.^۲

📖 کسانی که متدّین و ملتزم به احکام اسلام نیستند و اهل نماز و روزه و وظایف شرعیّه نمی‌باشند، لیاقت عهده‌داری مشاغل اجتماعی اسلامی و مناصب عمومی را ندارند و اگر عهده‌دار شوند، غاصب و متجاوز به حقوق عمومی شناخته می‌شوند.^۳

۲. آسیب‌شناسی تربیت دینی

✉ دنیای مدرن، تمام احساسات، عواطف، عقل و ذهن بشر را درنور دیده و بر همه‌ی امکانات انسان سیطره یافته و از انسان در حقیقت به عنوان یک ابزار استفاده می‌کند. در این میان تکنولوژی که نقش اوّل را بازی می‌کند، رشد و توسعه‌ی فزاینده‌ی آن در عصر مدرن، تمام حقیقت انسان را به زیر سلطه‌ی خود درآورده است؛ تا آن‌جا که فکر و اندیشه‌ی بشر را جهت می‌دهد و فرهنگ اجتماعی‌اش را دگرگون می‌سازد و بر نوع اجتماعی‌شدن و جامعه‌پذیری‌اش، تصمیم‌گیری می‌کند و انسان را به یک موجود کژاندیش

۱. موسوی گلپایگانی، مجمع المسائل ۵۳۴:۱، م ۲۲.

۲. همان، م ۲۳.

۳. همان، م ۲۴.

و هنجارگش مبدل ساخته است. در این راستا، اولین برنامه برای نوجوانان و جوانان طراحی شده است؛ چرا که آنان آماده‌ی جامعه‌پذیری و ایفای نقش‌های مهم اجتماعی هستند و طراحان به این وسیله کشورها را زیر سلطه‌ی خود درمی‌آورند یا از موجودیت و هویت اصلی خودشان ساقط می‌سازند. اکنون وزارت آموزش و پرورش با توجه به مأموریت خطیر خود، با همکاری دیگر نهادها، همایشی را تحت عنوان «آسیب‌شناسی تربیت دینی در نظام آموزش و پرورش» ترتیب داده تا بدین وسیله ریشه‌ها، موانع و راه کارهای عملی جهت بازشناسی موانع و عوامل بازدارنده‌ی تربیت دینی را از طرف صاحب‌نظران در عرصه‌های مختلف شناسایی نماید. با عنایت به اهداف همایش، سؤالاتی طراحی شده که انتظار می‌رود با پاسخ‌گویی به آن‌ها، ما را در این مهم یاری فرمایید.

۱. آیا در حوزه‌ی تربیت دینی آسیبی برای جوانان و نوجوانان مشاهده می‌شود؟ اگر هست، این آسیب‌ها در چه عرصه‌هایی رخ می‌نماید؟

ک بی‌شک آسیب‌هایی برای جوانان و نوجوانان در حوزه‌ی تربیت دینی وجود دارد که در دو شاخه خلاصه می‌شود: آسیب‌های اعتقادی و آسیب‌های اخلاقی؛ که اگر روی آن کار جدی انجام نگیرد، در آینده شاهد مشکلات مهم دینی و اجتماعی و سیاسی خواهیم بود.

۲. منشأ این آسیب‌ها و عوامل آسیب‌زا چه چیزهایی است؟

ک منشأ این آسیب‌ها را می‌توان در امور زیر خلاصه کرد:

الف) وجود عوامل تشویق‌کننده به مفسد اخلاقی و اباحی‌گری که از ویژگی‌های عصر ماست؛

ب) تفسیر نادرست از مسئله‌ی آزادی و عدم توجه به این نکته که همیشه آزادی‌ها در چارچوبه‌ی ارزش‌هاست؛

ج) عدم اطلاع‌رسانی صحیح و به‌موقع و محروم ماندن قشر جوان و نوجوان

از آموزش‌های مستمر و گسترده‌ی دینی؛

د) از همه مهم‌تر، دست‌های مرموز سیاست مخرب دشمنان است که برای دور کردن جوانان از حوزه‌ی تربیت و اعتقادات دینی از طرق مختلف فعالیت می‌کند و معتقد است مانع اصلی نفوذ در عرصه‌ی سیاسی کشور ما، اعتقادات محکم مذهبی و پای‌بندی به اخلاق دینی است و به‌راستی اگر آن‌ها در کار خود موفق شوند، مانع مهمی بر سر راه نفوذشان باقی نمی‌ماند.

۳. راه کارهای اصلاح و تغییر در وضع آسیب‌ها و هم‌چنین وضعیت مطلوب برای زدودن آسیب‌ها را در چه چیزهایی ارزیابی می‌فرمایید؟

✍ راه کارهای اصلاح نیز در امور زیر خلاصه می‌شود:

الف) آموزش مستمر با منطق و ادبیات خاص جوانان؛

ب) حل مشکلات مربوط به تحصیل و کار و ازدواج جوانان؛

ج) پاک‌سازی محیط از مراکز و عوامل فساد؛

د) همکاری تنگاتنگ تمام رسانه‌های جمعی در این زمینه.^۱

۳. علل ضرورت یا رجحان شرعی تأسیس مدرسه‌ی اسلامی

۱-۳. اهتمام به امور مسلمین

📖 وظیفه‌ی هر مسلمان است که در بهبودی امور و وضع معاش و اقتصادی

مسلمانان اهتمام نماید که مَنْ أَصْبَحَ وَلَمْ يَهْتَمَّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ، فَلَيْسَ

بِمُسْلِمٍ.^۲

۱. مکارم شیرازی، استفتاات جدید ۳: ۵۳۵، س ۱۴۹۱.

۲. ترجمه: هر کس صبح کند و به امور مسلمانان اهتمام نرزد، مسلمان نیست.

۳. موسوی گلپایگانی، مجمع المسائل ۱: ۵۳۵، م ۲۵.

۲-۳. بی‌نیازی از کفار

📖 یادگرفتن و یاددادن علوم و صناعی که مورد احتیاج عموم است و همچنین علوم و صناعی که سبب قوت و شوکت جامعه‌ی مسلمین و برتری قوای دفاعی آن‌ها بر کفار می‌شود، بر همه واجب مؤکد است به وجوب کفایی و باید مسلمانان به نحوی قوی شوند که قطع طمع کفار را از بلاد و نوامیس و اعراض و اموال و معادن و ثروت خود بنمایند.^۱

📖 بر مسلمانان واجب است در صورتی که مدارس و دانشگاه‌ها و دانشکده‌های علوم و صنایع مورد احتیاج عموم، طبق آداب و سنن و رعایت احکام اسلام به تعداد کافی نباشد، خودشان مستقیماً به تأسیس این‌گونه مدارس و دانشگاه‌ها بر اساس تعلیم مقدّسه‌ی اسلام و اجرای برنامه‌های دینی، اقدام نمایند و مهمّا امکان [= تا حدّ امکان] طوری ترتیب بدهند که از تمام طبقات هر کس استعدادش بیش‌تر است بتواند به تحصیل ادامه دهد.^۲

✉ امروزه کدام یک از تخصص‌های علمی برای اسلام و مسلمین مفیدتر است؟
 📖 شایسته است که علما و اساتید و دانشجویان دانشگاه‌ها به همه‌ی تخصص‌های علمی مفیدی که مورد نیاز مسلمانان است، اهتمام بورزند تا از اجانب به‌خصوص دشمنان اسلام و مسلمین بی‌نیاز شوند و تشخیص مفیدترین آن‌ها با مسئولین ذی‌ربط با در نظر گرفتن شرایط موجود می‌باشد.^۳

✉ در یکی از مناطق که از اهتمام و توجّه دولت، سازمان‌ها و تشکیلات دینی به آن بهره‌مند نیست، اگر خانم غیرمسلمانی بخواهد مدرسه‌ای را برای نجات

۱. همان: ۵۳۲، م ۱ و صافی گلیایگانی، توضیح المسائل: ۵۰۳، م ۲۸۷۲.

۲. موسوی گلیایگانی، مجمع المسائل: ۱: ۵۳۲، م ۶ و صافی گلیایگانی، توضیح المسائل: ۵۰۳، م ۲۸۷۷.

۳. حسینی خامنه‌ای، أجوبة الإستفتائات (فارسی): ۲۹۵، س ۱۳۳۰.

مردم از چهل و بی سواد۱ تأسیس کند و در آن مدرسه از کتاب‌های رسمی دولت و طبق مذهب رسمی استفاده شود و برای امر تعلیم از معلّمان همان منطقه استفاده شود و این خانم هیچ هدف دیگری نداشته باشد و فقط او از مردم درخواست کند که زمینی به او بدهند تا مدرسه را در آن بسازند، آیا این عمل شرعی است؟ آیا جایز است به این خانم برای اجرای این پروژه کمک کنیم؟

✍ اگر مدرسه‌ی مورد نظر توسط مسلمانان اداره شود اشکالی ندارد.^۱ (۱)

۳-۳. جلوگیری از ترویج آیین‌های باطل

📖 کفار حق ندارند در بلاد اسلام مدرسه دایر کنند و تعلیم و تربیت اطفال مسلمانان را عهده‌دار شوند و جایز نیست مسلمانان فرزندان خود را به مدارس و کودکان‌های آن‌ها بفرستند.^۲

📖 کفار - ذمی باشند یا نه - حق ندارند در شهرهای مسلمانان مذاهب فاسدشان را تبلیغ نموده و کتاب‌های گمراه‌کننده‌شان را منتشر کنند و مسلمانان و فرزندان آن‌ها را به مذاهب باطلشان دعوت نمایند و تعزیر آن‌ها [در صورت انجام دادن این کارها] واجب است و بر اولیای دولت‌های اسلامی [واجب] است که آن‌ها را از این کار به هر وسیله‌ی مناسب، بازدارند. بر مسلمانان واجب است که از کتاب‌ها و مجالس آن‌ها پرهیز نمایند و فرزندان‌شان را از آن منع کنند. همچنین اگر از کتاب‌ها و نوشته‌های گمراه‌کننده‌ی آن‌ها چیزی به دستشان برسد، از بین بردن آن‌ها واجب

۱. مکارم شیرازی، الفتاوی الجديدة ۳: ۵۰۵، س ۱۵۸۷.

۲. موسوی گلپایگانی، مجمع المسائل ۱: ۵۳۲، م ۴ و صافی گلپایگانی، توضیح المسائل: ۵۰۳، م ۲۸۷۵.

است؛ زیرا کتاب‌های آن‌ها فقط [حاوی مطالب] تحریف‌شده بوده، [لذا] احترامی ندارد.^۱ خداوند متعال مسلمانان را از شرور بیگانگان و حیلۀ آنان حفظ فرماید و ندای اسلام را بلندمرتبه گرداند.^{۲ و ۳}

📖 اگر ذمی به ساختن کنیسه یا بیعه یا آتشکده به‌عنوان معبد و محلّ عبادت‌های باطل وصیّت نماید و این امر به ما واگذار شود، اقدام در راستای آن برای ما جایز نیست. همین‌طور است اگر به خرج کردن مالی [از ماترک خود] در کتابت تورات و انجیل و بقیّه‌ی کتاب‌های گم‌راه‌کننده و تحریف‌شده و چاپ و نشر آن‌ها وصیّت کند و همین‌طور است اگر مالی را بر یکی از آن‌چه ذکر شد، وقف نماید و در صورتی که امر به ما واگذار نشود، اگر ساختمان [= کنیسه و...] از آن‌هایی باشد که احداث یا تعمیرش جایز نیست، جلوگیری از آن واجب است وگرنه ما حقّ اعتراض نداریم؛ مگر این‌که به این وسیله بخواهند مذاهب باطلشان را بین مسلمانان تبلیغ نمایند و فرزندان مسلمانان را گم‌راه کنند که در این هنگام جلوگیری و دفع آن‌ها به هر وسیله‌ی مناسب، واجب است.^{۳ و ۴}

۳-۴. آموزش عقاید و احکام دین

📖 تحصیل اعتقاد به اصول دین و مبانی اسلام بر هر مسلمان واجب است.^۴

📖 مسائلی را که انسان غالباً به آن‌ها احتیاج دارد، واجب است یاد بگیرد.^۵

📖 چنان‌چه فردی در موردی بی‌اطلاع از حکم شرعی باشد و به‌علّت ندانستن

۱. یعنی لازم نیست مانند دیگر اموال کفّار ذمی از تعرّض و تصرف در امان بماند.

۲. موسوی خمینی، تحریر الوسیلة ۲: ۵۰۷، الرابع.

۳. همان، الثالث.

۴. موسوی گلپایگانی، مجمع المسائل ۱: ۵۷۱، م ۱۲۳.

۵. موسوی خمینی، توضیح المسائل: ۱۴، م ۱۱.

مسئله‌ی شرعی، واجبی را ترک یا حرامی را مرتکب گردد، در صورتی که فرد جاهل، درصدد تعلّم و فراگیری است و احتمال تأثیر نیز وجود داشته باشد، ارشاد وی و یاددادن مسئله‌ی شرعی به او واجب است؛ مگر در موارد سختی فوق العاده و غیرقابل تحمّل یا ضرر قابل توجّه. بنابراین کسی که نمی‌داند استفاده از انگشتر طلا بر مرد حرام است یا گوش دادن به موسیقی لاهی و غنا حرام است یا پوشش قدم پای زن در مقابل نامحرم واجب است و به علّت جهل به حکم شرعی و ندانستن مسائل محلّ ابتلاش این موارد را رعایت نمی‌کند، ارشاد او با وجود شرایط فوق واجب است.^۱

📖 ارشاد جاهل در موضوعات لازم نمی‌باشد و واجب نیست کسی که نسبت به موضوع اطلاع ندارد را ارشاد نمود؛ مگر در موردی که معلوم باشد شارع مقدّس به وقوع آن کار - هرچند نسبت به جاهل به موضوع - رضایت ندارد. مثل اشتباه کسی که قتل او حرام است با کسی که قتل او جایز است.^۲

✉ آیا می‌توان گفت که: بر پدر و مادر واجب است که برای فرزند خود امکاناتی فراهم کنند تا اطمینان کنند که فرزندشان عقاید صحیح واجب و احکام الزامی محلّ ابتلاش را یاد می‌گیرد؟ اگر این چنین نیست لطفاً توضیح لازم را بیان فرمایید.

🔍 تهیّی امکانات به تنهایی کافی نیست. باید به نحوی که در پاسخ سؤالات سابقه بیان شد،^۳ عمل نمایند. بلی، اگر بعد از فراهم نمودن امکانات، یقین کنند فرزند از آن‌ها استفاده کرده تکلیفی ندارند؛ لکن نکته‌ای که یادآوری

۱. حسینی سیستانی، توضیح المسائل جامع (۱: ۶۲۴)، م ۲۲۲۲.

۲. همان، م ۲۲۲۱.

۳. سایر سؤالات این مجموعه، در این کتاب آمده است.

آن لازم است این است که وظیفه‌ی پدر و مادر یا مربی و معلم مقطعی و موقتی نیست؛ بلکه چون هر فردی تا زنده است در معرض وقوع در فساد عقیده و اخلاق و عمل است، وظیفه‌ی ارشاد و امر به معروف و نهی از منکر محدود به یک برهه از زمان نیست و تا آخر عمر ادامه دارد؛ والله العالم.^۱

✉ اگر ولی دانش‌آموز به این خاطر فرزند خود (اعم از طفل یا بالغ) را در مدرسه‌ای ثبت‌نام می‌کند یا به جلسه‌ای می‌فرستد که در آنجا عقاید صحیح واجب و احکام الزامی را به او بیاموزند، آیا بر اولیای مدرسه یا مسئول جلسه انجام آن کار واجب می‌شود؟ اگر ولی دانش‌آموز این امر را در ضمن عقد لازمی شرط کند چه طور؟

✉ از جهت مذکوره بر اولیای مدرسه یا مسئول جلسه واجب نمی‌شود و آن‌ها به نحو کلی چنانچه قبلاً بیان شد باید انجام وظیفه کنند؛ بلی اگر در ضمن عقد لازمی شرط شود، از این جهت نیز تکلیفاً واجب می‌شود؛ والله العالم.^۲

✉ لطفاً به سؤالات زیر پیرامون ارشاد جاهل پاسخ فرمایید:

فهرست کتاب دینی

الف) موارد وجوب ارشاد جاهل چیست؟

ب) آیا در فرضی که هیچ احتمال تأثیری وجود ندارد، ارشاد جاهل واجب است؟

ج) در صورتی که جاهل، اکنون به تذکر توجّهی نمی‌کند، اما احتمال آن وجود دارد که بعداً رفتار خود را اصلاح کند چه طور؟

د) در فرضی که فقط احتمال تأثیر کوتاه‌مدت وجود داشته باشد (مثلاً دانش‌آموز از ترس اخراج رفتار خود را اصلاح کند؛ اما معلم بداند پس از پایان سال تحصیلی او رویه‌ی سابق خود را پیش می‌گیرد) وظیفه چیست؟

۱. صافی گلپایگانی، استفتا از دفتر، کد ثبت ۱۵۲۱، س ۲۰.

۲. همان، س ۲۱.